

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی  
 مدیرمسئول: مهدی شفیعی  
 سردبیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۲/۱ | آذان مغرب ۱۷/۵۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | آذان صبح فردا ۵/۳۷ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۲

**امام جواد(ع):** سرزنش کردن دیگران بدون علت و دلیل، سبب ناراحتی و خشم خواهد گشت، درحالی‌که رضایت آنان را نیز کسب نخواهد کرد.

#### سخن روز

بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۱

نگاره  
سپیل محمدی



### #جشنواره\_ فیلم\_ فجر

ماسک‌هاشون ببینیم. خدا صبر بده.»، «بزرگواران در جشنواره فیلم فجر، ماسک‌ها رو کیسه کردن»، «احتمالاً موح جدید کرونا از وسط سینما و از بین سینماگران و تماشاچیان و خبرنگاران این حوزه میزنه بیرون»، «میزبانی دوره بعدی کرونا رو بعد از ورزشکارها دادن به سینماگرا، بعد از جشنواره فیلم فجر منتظر باشیم»، «عکس‌های جشنواره فیلم فجر رو دیدم. واقعاً مردم ما باید از سلب‌ریتی‌ها الگو بگیرن به این صورت که هر کاری اونا کردن مردم نکنند»، «امسال جشنواره فیلم فجر حفظ فاصله اجتماعی فقط برای عوامل فیلم‌هاست. عکاس‌ها باید چسبیده کنار هم از ماسک زدن و در آوردن عوامل عکاسی کنن»، «المپیک با اون همه عظمتش به‌دلیل کرونا برگزار نشد، ولی جشنواره فیلم دهه فجر تو این شرایط با ماج و بوسه آغاز شد»، «بعد میدونم به اندازه همه هنرمندی جشنواره فیلم فجر خایبون و کوچره داشته باشیم که به اسمشون کنن»

به اسمشون کنن»

به اسمشون کنن»

کودتا در میان‌روا دستگیری  
آنگ سان سوچی  
ماجرای دولت این کشور بازتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت. آن هم به‌دلیل سرنوشت وفعالیتهای سوچی و البته رفتارهایی که باعث شد جایزه صلح نوبل او زیر سؤال برود. دیروز کاربران درباره تغییر جهت سوچی و سرنوشتش نوشتند: «آنگ سان سوچی چه سرنوشتی داشت؛ زمانی به‌دلیل فعالیت‌هاش و هزینه‌هایی که داده بود تبدیل به چهره‌ای مورد احترام جهان و برنده جایزه صلح نوبل شد. چند سال بعد که به قدرت رسید شد شریک ارتش میانمار در نسل‌کشی مسلمانان و حالا همون ارتش علیه اش کودتا و حبسش کرده»، «کودتا در میانمار(برمه) و بازداشت آنگ سان سوچی و بقیه مقامات، این بار جهان دوباره از سوچی دفاع خواهد کرد؟ یا او را در برابر نظایمان تنها خواهد گذاشت؟ سوچی بعد از کسب قدرت، با نادیده گرفتن نقض گسترده حقوق بشر

#### ۱۴بهمن

در برگه تقویم امروز نام‌های مطرحی ثبت شده است که تولد و درگذشت‌شان بهانه‌ای است برای مرور آثارشان.

#### تولدها

**شهاب‌حسینی:** بازیگر سینمای ایران امروز ۴۷ ساله‌می‌شود. شهاب حسینی کارش را از تلویزیون و با اجرای برنامه «اکسیژن» و بازی در سریال «پس از یاران» آغاز کرد و سال ۸۰ با بازی در فیلم «خرساره» وارد سینما شد، پس از آن حسینی را در فیلم‌های «واکنش پنجم»، «شمعی درباد»، «بچه‌های ابدی»، «محبی»، «دل شکسته»، «سوپر استار»، «درباره‌الی»، «پرسه در مه»، «جدایی نادر از سیمین»، «آفریقا»، «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند»، «حوض نقاشی»، «دوران عاشقی»، «فروشنده»، «چهارشنبه»، «برادرم خسرو»، «نات» و «هزارتو» و سریال‌های «مارصفر درجه»، «آب سرد» و «شهرزاد» دیدیم.

**جیمز جویس:** نویسنده ایرلندی سال ۱۸۸۲ در چنین روزی به دنیا آمد. جیمز جویس جزو نخستین نویسندگانی بود که به شیوه جریان سیال ذهن



**عباس زریاب خویی:** نویسنده وادیب شاخص ایران سال ۱۳۷۳ درگذشت. عباس زریاب خویی متولد ۱۲۹۸ بود و کتاب‌هایی مانند «آیینه جام» در شرح



غزل‌های حافظ و «بزم آرد» و ترجمه آثار «تاریخ فلسفه ویل دورانت» و «دریای جان» از او به جا مانده است. ■ سالروز درگذشت **پتروس دوریان** شاعر و نویسنده ارمنی، **پل سوزن‌مایستر** نویسنده سوئسی، **وسلو مایرهود** کارگردان تئاتر روس و **والری لارو** نویسنده فرانسوی امروز است.

## رو



#### مر ترضی حیدری: بزرگ‌ترین جریمه رسانه از دست دادن مخاطب است

اخلاق رسانه بیش از اینکه یک امر اخلاقی و اجتماعی باشد، یک امر حرفه‌ای است. در واقع شما به لحاظ حرفه‌ای مکلف هستی که یکسری اصول و قواعد را در اجرای برنامه و تعامل با میهمانان و رویکردهای برنامه رعایت کنی و اگر اینها را رعایت نکنی، دو جنبه به وجود می‌آید: یکی جنبه عمومی و دیگری اجتماعی است. درواقع جامعه مخاطبان از شما گریزان می‌شوند و شما سرمایه اجتماعی خود را از دست می‌دهید که برای یک رسانه این بزرگ‌ترین جریمه و دردناک‌ترین اتفاق است.

گوینده خبر و مجری – در گفت‌وگویی با ایسنا درباره ضرورت رعایت اخلاق در رسانه‌ها صحبت کرد.

## جذابیت ستاره‌ها

هادی حجازی فر بازی می‌کنند. تیزر فیلم که با حضور تهرانی منتشر شده، سیمایی تازه و متفاوت از این بازیگر نشان می‌دهد و به اندازه کافی ترغیب کننده است. تمرکز سازندگان فیلم بر حضور این ستاره سال‌های گذشته، در نخستین تصاویری که از فیلم منتشر شده، مشخص می‌کند که محبوبیت

تهرانی، هنوز می‌تواند عاملی برای جذب مخاطب باشد. بعضی گمان می‌کنند جشنواره‌ها، فقط محلی برای کشف استعداد یا درخشش سیمای جریان متفاوت و هنری هستند. البته که این کارکرد اغلب جشنواره‌های سینمایی و هنری است. اما ستاره‌ها و چهره‌ها همواره، به جذابیت جشنواره‌ها افزوده‌اند. در جشنواره کن، ونیز و برلین هم بخش زیادی از اخبار و عکس‌ها به حضور ستاره‌ها اختصاص دارد. ستاره‌ها، جزئی جدانشدنی از سینما هستند و درخشش آنها در جشنواره‌ها، می‌تواند توجه مردم را به این رویدادها که اغلب مخاطب خاص دارند، بیشتر کنند. به‌نظر می‌رسد، امسال و در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر در رغبت ستاره‌هایی مثل نوید محمدزاده و امیر جدیدی، ستارگانی دیگر بازار رقابت را گرم می‌کنند. ستاره‌هایی که همین حالا و با آغاز سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، مورد توجه سینمادوستان قرار گرفته‌اند و در صورت بازگشایی سینماها در سال آینده، می‌توانند سرنوشت فیلم‌ها را در جدول فروش هم تعیین کنند. جشنواره فیلم فجر، اگرچه منعکس‌کننده همه سلیقه‌ها و گرایش‌های تماشاگران نیست، اما می‌تواند نمایانگر بخشی از آن باشد. معمولاً فیلم‌هایی که سیمبرخ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را دریافت می‌کنند، گیشه پررونقی دارند. بر همین اساس، استقبال از زیلت‌فروشی فیلم‌ها در هر دوره از جشنواره، انعکاسی از سلیقه و خواسته مخاطب این سینماست.



#### حال و روز مجله‌های کودک و نوجوان

شماره دوازدهم مجله «وزن دنیا»؛ رسانه شعر ایران، با تیتربیک «جنگل شوکران‌ها» بازخوانی تاریخ نقد شعر مدرن در ایران منتشرشد. در این شماره وزن دنیا می‌توانیم از شاعران استان‌های تهران، آذربایجان غربی، البرز، ایلام، خوزستان و سمنان شعر بخوانیم. علاوه بر این، دو بخش «هم‌زیبان» و «کارگاه وزن دنیا»، بخش اول بازتاب‌دهنده شعر شاعران فارسی‌زبانی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان و هندوستان وبخش دوم، منعکس‌کننده شعرهای ارسالی خوانندگان وزن دنیا، بخش «هوی‌ای تازه» در معرفی شاعران برگزیده هر شماره در دو بخش کلاسیک و آزاد، نقد و بررسی کوتاهی داشته بر اشعار ارمین مظهر برگزیده بخش کلاسیک‌اهل کابل افغانستان و بازآلله آسپالن شاعر برگزیده بخش آزاد از استان ایلام. در بخش

بخش اول بازتاب‌دهنده شعر شاعران فارسی‌زبانی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان و هندوستان وبخش دوم، منعکس‌کننده شعرهای ارسالی خوانندگان وزن دنیا، بخش «هوی‌ای تازه» در معرفی شاعران برگزیده هر شماره در دو بخش کلاسیک و آزاد، نقد و بررسی کوتاهی داشته بر اشعار ارمین مظهر برگزیده بخش کلاسیک‌اهل کابل افغانستان و بازآلله آسپالن شاعر برگزیده بخش آزاد از استان ایلام. در بخش

بخش اول بازتاب‌دهنده شعر شاعران فارسی‌زبانی از کشورهای افغانستان، تاجیکستان و هندوستان وبخش دوم، منعکس‌کننده شعرهای ارسالی خوانندگان وزن دنیا، بخش «هوی‌ای تازه» در معرفی شاعران برگزیده هر شماره در دو بخش کلاسیک و آزاد، نقد و بررسی کوتاهی داشته بر اشعار ارمین مظهر برگزیده بخش کلاسیک‌اهل کابل افغانستان و بازآلله آسپالن شاعر برگزیده بخش آزاد از استان ایلام. در بخش

کرد. همچنین وزن دنیا در میزگردی با حضور علی باباجاهی، عنایت سمعی، کامیار عابدی، علیرضا بهنام و علی مسعودی‌نیا به نقد شعر مدرن ایران از آغاز تا امروز پرداخته است. در بخش سندی پسنی این شماره دو یادداشت در مورد دو شاعر درگذشته می‌خوانیم، یادداشتی از مهدی خطیبی با عنوان «راوی آب‌های خسته» با یادی از محمود کیانوش و خدماشت به ادبیات و همچنین یادداشتی از علیرضا بهرامی با عنوان «فریاد در مشترک» درباره علی نجفی برنده جایزه شعر خبرنگاران، شماره دوازدهم «وزن دنیا»، در ۲۰۰ صفحه و به قیمت ۵۰ هزار تومان از امروز در کتابفروشی‌ها و کیوسک‌های مطبوعاتی معتبر در دسترس مخاطبان شعر است و علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی از مراکز خرید مجله به آدرس اینستاگرام و تلگرام مجله با عنوان @vaznedonya مراجعه یا از سایت مجله www.vaznedonya.ir کتب آگاهی کنند. مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز «وزن دنیا» پوریا سوری و سردبیر آن علی مسعودی‌نیا است.



#### عکس نوشت

همچون سال های گذشته در جشنواره تئاتر فجر شاهد اجرای نمایش های خیابانی هستیم. این نمایش ها با رعایت پروتکل ها و با حضور مردم اجرا می شوند.

#### پیشنهاد



**سجاد گودرزی**  
شاعر



## و



صد سال تهائیی  
گابریل گارسیا مارکز  
بهمن فرزند

جهان چنان تازه بود که بسیاری چیزها هنوز اسمی نداشتند و برای نامیدن شان می‌بایست با انگشت به آنها اشاره کنی.

باسرادر شهید سید حسین علم‌الهدی

#### آن زندانی، نوجوانی ۱۳ ساله بود

سیرک مصری هرزهای سال ۱۳۵۱ به اهواز آمده بود که فساد و هتک حرمت و بی‌ندو باری در آن موج می‌زد. حسین نمی‌توانست تحمل کند. ۱۴ ساله شده بود. با دوتا از رفقا هماهنگ کرد و با بنزین سفارشان را جمع کردند. بعداً نامهای برای شان نوشتند: «در زمانی که اسرائیل، مردم مظلوم فلسطین را آواره کرده، ما باید دست به دست بدهیم و مسلمانان جهان را بیدار کنیم، شمارایی فاسد کردن جوانان مابه ایران آمده‌ایم…» ساوک هیچ وقت از این نامه باخبر نشد و…

«حسین» روز عاشورای سال ۵۲ دسته عزاداری را از مسیری برد که دور مجسمه شاه طواف نکنند. ۱۵۰ دانش آموز در سه ردیف، روی پارچه‌های عارتی از امام حسین (ع) نوشته بودند از جمله: ان لم یکن لکم دین فکونوا احراراً فی دنیاکم، بلندگو هم دقیقاً به طرف کلاستر ی آخر دهن کجی بود. پلیس ها حمله کردند. بچه‌ها هم همه فرار کردند اما حسین وسط چند تا پلیس کردن کلفت گیر افتاد. در رفت. فردا ولی او رفته بود.

آمدند به دبیرستان و او را دستگیر کردند و به خانه آوردند.

مادر منتظر چنین روزی بود. تا تصای در شنید، پرید بیرون. یک ساوکی او را هل داد و هجوم برد به داخل. ساوکی، چهره‌ای خشن به خود گرفت و وارد اتاق شد، حسین گفت: «با کش وارد اتاق نشو. ما اینجا نماز می‌خوانیم.» ساوکی از اتاق خارج شد و به سمت حیاط برگشت. مادر از این حرکت حسین خوشش آمده بود. جلورفت و به ساوکی گفت: اتاق حسین آنجاست. پرونده حسین در ساوک از ۱۳ سالگی باز شد و این سومین بار بود که در تظاهرات دستگیری می‌شد، اما ساوک از فعالیت‌او در گروه موحدین سر درنیاورده بود. چون بچه بود نمی‌شد شیرندش بند سیاسی، برای همین بود که انداختندش توی بند بچه‌های برهکار! انوجوانان دزد و خوافکار! اما چند روز بعد چند تا از آن‌ها نماز خوان شدند و سر کلاس قرآن حسین می‌نخستند. نماز جماعت بند نوجوانان برهکار که از افتاد حسین را با مشت ولگد به بند زندانی‌های سیاسی بردند. البته یک شب هم در نهایت سرما به درختی در حیاط زندان بسته شده بود. چند روزی گذشت به کاظم برادرش اجازه دادند بیاید ملاقات.

جل‌الخلق… قد حسین بزرگتر شده بود اما کی جرأت سؤال کردن داشت؟ وقتی حسین آزاد شد پرسیدیم ماجراجی بود؟ حسین گفت: اینقدر با کابل و سیگار… شوکنجام کرده بودند که نمی‌توانستم راه بروم. کش مخصوصی به من داده بودند که فقط ۱۰ سانت پنبه در کش گذاشته بودند تا معلوم نشود چه بلایی سرم آورده‌اند!

در آن شرایط عجیب وقتی پرسیدیم چی لازم داری برات بیاریم؟

حسین امشهد آمده بود اهواز تا سری به خانواده بزند. اصلاً باورش نمی‌شد روی دیوارها هیچ شعاری نوشته نشده باشد. بایکی از دوستانش رفت چند قطعی رنگ از بازار گرفت و شب هم موتور ی اقرض گرفتند. قرار شد نصف شب کارشان را شروع کنند. خواب‌شان بر و گرد و میش صبح از خواب بیدار شدند. نماز صبح را خواندند. کار از کار گذشته بود و هوا داشت روشن می‌شد. حسین اماول کن نبود. ترک موتور نشست و شهر را پر کرد. روی اولین دیوار نوشت:

«تعریف و مسعادت، ایمان، جهاد، شهادت»

سال ۵۷ فروردی یکی از روحانیون انقلابی در حسینیه اعظم اهواز سخنرانی داشته‌اش اما ناگهان مردوزان رژیم پهلوی، حسینیه را با تانک و نفربر محاصره کردند. وقتی روحانیون شهر در حسینیه دیگری تحصن کردند، به آنجهم حمله کرد. حسین پیشنهاد داد در تمام شبو ساعتی معین از نشت‌یام همه مساجد ۱۵ دقیقه یک نفس و بی‌وقفه سکوت بگیرند. در آن ساعت مشخص، ناگهان دیوارهای شهر با تکبیر مردم به لرزه افتاد و نوید پیروزی می‌داد.

سال ۵۷ امام خمینی (ره) را هم از نجف بیرون کردند و حتی به کوی راهشن دادند. حسین خیلی پرایش سخت بود. با چندن تن از دوستانش آمد تهران. می‌خواستند به سفارت عراق حمله کنند اما بگیر و ببندی داشت که نشد. با سه راه‌قهار افتادند و رفتند کتسولگری عراق را در خرمشهر آتش زدند. کلی مأمور دور تا دور کتسولگری بود ولی حسین سری تترس داشت. رفته بود بالای دیوار ایستاده بود و می‌خواست بمب‌ها را دقیق هدف گیری کند. هر چی می‌گفتم: «بابا می‌زنند، می‌گفت: آخه بابا ببینم کجا را می‌زنند یا نه؟ آتشی به پا کرد که خبرش مثل بمب در جهان صدا کرد. دل انقلابیون، حسایی خنک شد.

سال ۵۷ ما مأموران شاه به مسجد جامع کرمان حمله کردند و تظاهراتندگان را به خاک و خون کشیدند. حسین سه تا از رفقا راه افتادند به طرف کرمان و به بهانه گرفتن ویزا برای سفر خارج، کلی مواد منفجره بردند داخل شهر یانی. آنها را که جاسازی کردند، آمدند بیرون ۲ دقیقه بعد شهر یانی رفت هوا. دل مردم کرمان حسایی خنک شد و از ته دل فریاد زد: والله اکبر!

در حکومت نظامی و کنار خانه فرماندار نظامی، همراه بمب و اسلحه دستگیر شده بود. هر قدر شکنجه‌اش می‌کردند فایده نداشت. لام تا کام حرف نمی‌زد و کسی را رونمی‌داد. جای سبک‌ها و بقیه شکنجه‌ها روی تن حسین مانده بود. در حسین انکار و از آن بی‌رحم‌ها وقت کشید. ما فایده نداشت. بالاخره حکم اعدامش آمد. قرص و محکم بود. شاداب و روحیه عالی و در عین حال دندان‌ش را در فرار بود حتی اگر شده با چادر یکی دو روز مانده به اجرای حکم، او و بسیاری دیگر از زندانی‌های سیاسی آزاد شدند. به آخرین روزهای بهمن ۵۷ نزدیک شده بودیم و آغاز فجر نور.

انقلاب پیروز شد و مردم همه مأمورهای ساوک را دستگیر کردند. قرار شد شکنجه شده‌ها شکایت کنند. اما حسین در دادگاه، نخست افسر شکنجه‌کننده خودش را کمی اندرز و نصیحت کرد و پس از آن ایستاد و گفت: اینجناب سید حسین علم‌الهدی از سران… شاکی بودم، ما زیرا که ایشان در زمان دستگیری اینجناب در زمان حکومت طاغوت مرا مورد شکنجه و آزار قرار داده‌اند. اما در این مرحله حواس در پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت‌ها و رسالت‌های همه ما سنگین‌تر از پیش و کوله‌بار رسالت‌مان پر بارتر است. لذا اینجناب سید حسین علم‌الهدی دانشجوی دانشگاه فردوسی برادرم سروان… را عفو کرده و در انتظار آزادی ایشان می‌باشم و از دادستان انقلاب اسلامی تقاضا دارم که در مورد شکایت اینجناب جرمی را برآورد… سروان… قائل نشده تا پس از آزادی، عنصری مجاهد و مؤمن و در خدمت انقلاب باشد.

#### ۹